

دختر جوانی با رضایت برادرش بخشیده شد

30 بهمن 1402

دختر جوان که در اقدامی کینه‌جویانه پدرش را به قتل رسانده بود با رضایت تنها برادرش و با حکم قضات دادگاه کیفری آزاد شد.

شهریور امسال خبر درگیری مرگباری به مأموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس اعلام شد. پس از آن مأموران به محل اعزام شدند و با بررسی‌های اولیه مشخص شد که مرد 50 ساله‌ای با ضربه‌های متعدد چاقو به قتل رسیده است.

شواهد اولیه حاکی از آن بود که در زمان قتل دختر و پسر مقتول در خانه حضور داشتند. از این رو مأموران تحقیقات را با بازجویی از آنها پی گرفتند.

دختر ۲۲ ساله در توضیح ماجرا به مأموران گفت: در لحظه حادثه من و برادر ۲۰ ساله‌ام به نام سعید که معلول است در خانه بودیم و مادرمان برای خرید از خانه خارج شده بود که به یکباره مردی که صورتش را پوشانده بود از حیاط وارد خانه شد، وقتی پرسیدم کیست و چه کار دارد گفت آمده‌ام پدرت را ادب کنم. بعد هم جلوی چشمان من و برادرم، پدرمان را که روی مبل دراز کشیده بود به قتل رساند و به سرعت از خانه فرار کرد.

وی در ادامه به مأموران گفت: مردی معتاد مدتی است در پشت بام خانه‌مان زندگی می‌کند و به نظرم مشخصات او با مردی که پدرم را کشت، شباهت دارد.

از آنجا که دختر جوان موضوع قتل پدرش را خیلی راحت تعریف می‌کرد و به همه سؤالات با خونسردی پاسخ می‌داد مأموران به او ظنن شدند، از طرفی حتی زمانی که قرار بود او به پلیس آگاهی منتقل شود فقط نگرانی‌اش گرسنه ماندن گربه‌هایش بود که همین موضوع فرضیه دست داشتن دختر جوان در مرگ پدرش را قوت بخشید.

در ادامه تحقیقات مأموران رد خونی را در حمام خانه کشف کردند که نشان می‌داد قاتل پس از قتل به حمام رفته تا آثار خون مقتول را پاک کند و این با ادعای دختر جوان که گفته بود قاتل بلافاصله فرار کرده تناقض داشت. ضمن اینکه ردی هم از آثار خون در مسیر خروج خانه وجود نداشت. این موارد سبب شد تا وی تحت بازجویی فنی قرار گیرد. دختر جوان درباره بریدگی روی انگشتانش نیز به پلیس گفت: وقتی قصد داشتم مقابل مرد چاقوکش از پدرم دفاع کنم انگشت‌هایم زخمی شد.

در حالی که تنها مظنون پرونده سعی داشت با اظهاراتش مسیر تحقیقات را منحرف کند، برادرش سعید پرده از راز قتل پدرش برداشت و گفت: خواهرم قاتل است.

وی در تشریح ماجرا گفت: خواهرم به خاطر سختگیری‌های پدرم هر روز با او درگیر بود. چند روز پیش از قتل، خواهرم به من گفت قصد دارد کاری کند تا برای همیشه از دست پدرمان راحت شویم. چندبار بدون اینکه پدرم متوجه شود تلفن همراهش را برداشته بود و در شبکه‌های اجتماعی از قول پدرم مطالب سیاسی نوشته بود تا پدرم را به اتهام همکاری با معاندین و ضدانقلاب دستگیر کنند اما وقتی مدتی گذشت و کسی سراغ پدرم نیامد تصمیم به قتل او گرفت.

آن روز وقتی مادرم از خانه خارج شد خواهرم به من گفت تا صدای ضبط را زیاد کنم بعد هم به اتاق رفت و در حالی که پدرم را با چاقو کشته بود و سر و صورتش خونی بود از اتاق بیرون آمد و گفت

کارش تمام شد. دقایقی بعد هم با جیغ و داد همسایه‌ها را خبر کرد و به دروغ گفت مردی غریبه پدرمان را کشته است.

پس از اظهارات پسر جوان، متهم بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و وقتی فهمید برادرش ماجرا را شرح داده به ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل پدرش اعتراف کرد.

اعلام گذشت از سوی ولی دم

با اعتراف متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. اما پیش از رسیدگی به پرونده برادرش به عنوان تنها ولی دم از خواهرش اعلام گذشت کرد و متهم از جنبه عمومی جرم در شعبه چهار دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

در این جلسه دختر جوان به جایگاه رفت و گفت: پدرم مرد بداخلاق و سختگیری بود. وقتی دیپلم گرفتم نه اجازه ادامه تحصیل داد و نه موافق بود سر کار بروم. مادرم زن مظلومی بود و برادرم هم ویلچرنشین و هر سه نفرمان از دست رفتارهای پدرم آزار می‌دیدیم.

متهم در حالی که اشک می‌ریخت، افزود: او حتی حاضر نبود برای درمان برادرم هزینه کند. پزشکان گفته بودند معلولیت برادرم با کاردرمانی کمتر می‌شود، اما پدرم توجهی نمی‌کرد. او فقط پول‌هایش را برای خودش خرج می‌کرد. باور کنید خوراکی‌هایی را هم که برای خودش می‌خرید به داخل خانه نمی‌آورد و در پشت بام می‌خورد که به ما ندهد. دیگر خسته شده بودم. تا اینکه روز حادثه مادرم را برای خرید بیرون فرستادم و بعد دو کارد از آشپزخانه برداشتم و بالای سر پدرم رفتم که خواب بود و همان لحظه چند ضربه به او زدم که اصلاً متوجه تعداد ضربه‌ها نشدم و فقط وقتی پزشکی قانونی اعلام کرد که مقتول 18 ضربه چاقو خورده، فهمیدم چند ضربه زده بودم.

با پایان دفاعیات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی وی را به ۵ ماه حبس محکوم کردند که با احتساب ایام بازداشت از زندان آزاد شد.